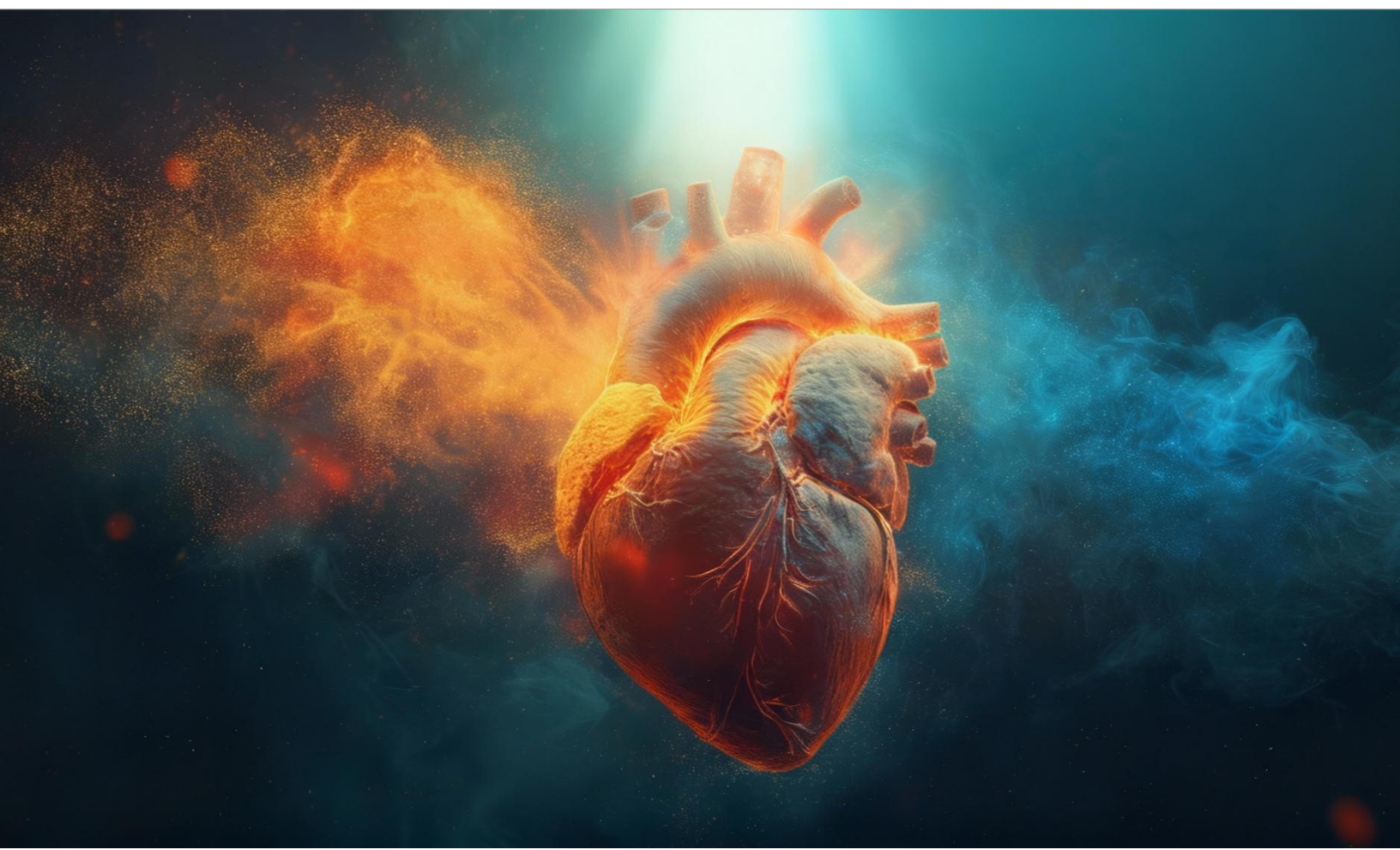




قواعدی در فقه قلوب (۱)

زکات دل، همچون رشد بدن است

دکتر صالح بن عبدالعزیز سندی



قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الله متعال را برای فراوانی نعمت‌ها، و پیوستگی لطف و بخشش‌هایش حمد می‌گوییم. و بر پیامبرمان محمد، خاتم فرستادگان و برگزیدگان او، و بر آل و اصحاب او درود و سلام می‌فرستیم.

اما بعد:

شأن و منزلت قلب، بسی عظیم است؛ شایسته است که دل برای سفر به سوی الله متعال، دوستی با او و روی آوردن به درگاهش آماده باشد. قلب، جایگاه نظر الله سبحانه و تعالی، ظرف تقوا و عقل، محل آزمایش و خالص شدن [از ناپاکی‌ها]، و خاستگاه ذکر و غفلت است.

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

در اصل، کارهایی که قلب انجام می‌دهد، مهم‌تر از کارهایی است که اعضای ظاهری بدن انجام می‌دهند؛ زیرا قلب، پادشاه اعضا است، و بندگی و عبودیت، ابتدا بر او واجب است و سپس بر اعضا. با اصلاح آن، اعضا اصلاح می‌شوند، و با تباهی و فساد آن، دیگر اعضا تباه می‌گردند. هرگاه نورانی شود، اعضا نیز نورانی می‌شوند، و هرگاه تاریک گردد، اعضا نیز تاریک می‌گردند.

دل‌ها، حالات و باطن‌هایی دارند، و رازها و شگفتی‌هایی؛ قلب هم می‌بیند و هم کور می‌شود، هم سالم می‌شود و هم بیمار می‌گردد، هم زنده می‌شود و هم می‌میرد، هم سپید می‌شود و هم سیاه می‌گردد، هم استوار می‌ماند و هم منحرف می‌شود، هم پاک می‌شود و هم آلوده می‌گردد، هم گشاده می‌شود و هم تنگ می‌گردد، هم نرم می‌شود و هم سخت می‌گردد، هم ثابت می‌ماند و هم دگرگون می‌شود، هم غنی و بی‌نیاز می‌شود و هم فقیر و محتاج می‌گردد، و دل‌ها هم با هم الفت می‌گیرند و هم از هم دوری می‌کنند! همچنین، قلب‌ها تاثیرگذارهایی دارند که در آن‌ها اثر می‌گذارند، و قفل‌ها و پوشش‌هایی که بر آن‌ها قرار داده می‌شود، و گاه بر آن مهر زده شده می‌شود...

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

همه اینها در مقامات، مباحث، مسائل و احکام فقهی جای می‌گیرند که شمردن آنها به دلیل عظمت و اهمیتشان دشوار است.

بر کسی پوشیده نیست که «فقه دل‌ها» و احوال و احکام آن، جایگاهی بس بلند و والا دارد؛ چرا که مباحث آن ارزشمند و شریف است و فوایدش بزرگ و نغز.

سزاوار است هر مسلمانی که برای نجات خود می‌کوشد، به آن توجه ویژه داشته باشد؛ چرا که سخت به آن نیازمند است؛ زیرا محور خوشبختی و بدبختی، بر راستی یا انحراف دل می‌چرخد.

به لطفِ الله متعال، در این برگه‌ها قطره‌ای از دریا و دانه‌ای از مرواریدهای این دانش، فراهم آمد.

خواستم تا این نوشته‌ها پندی باشد برای خودم - و هر که خدا بخواهد - و مایه بیداری دل از خوابِ بی‌خبری، تا حق پاسداشت آن، به شایستگی ادا شود.

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

زیرا برای بنده چیزی سودمندتر از این نیست که دلی زنده، پاک، نرم و سالم داشته باشد؛ که این - سوگند به گرداننده دل‌ها - نشانه رهایی و سرلوحه خوشبختی اوست.^۱

^۱ یادآوری: شایسته است اشاره شود که وقتی واژه «قلب» به کار می‌رود از آن دو معنا اراده می‌شود: نخست: قلب جسمانی که همان عضو شناخته شده است؛ یعنی عضو گوشتی صنوبری شکل (مخروطی) که در سمت چپ سینه جای گرفته است. این عضو، اصلی‌ترین اندام بدن است؛ چرا که پمپاژکننده‌ای است که خون را به سراسر بدن می‌رساند. این قلب، ویژه انسان نیست؛ بلکه حتی جانوران نیز بدین معنا، قلب دارند. و قلب بدین معنا، همان چیزی است که پزشکان و کالبدشکافان و امثال آنان، درباره آن بحث می‌کنند.

دوم: قلب معنوی؛ که از آن این‌گونه تعبیر شده است: حقیقتی الهی و روحانی که با آن قلب جسمانی، نوعی پیوند و اتصال دارد که خداوند به چگونگی آن دانایتر است. این لطیفه (قلب معنوی)، همان حقیقت انسانیت است - به این معنا که انسان به واسطه آن، انسان شده است - و به وسیله آن آماده پذیرش فرمان‌های الهی و دوری از منهیات می‌شود، و آن سرچشمه اخلاق پسندیده و احوال ناپسند است.

نگاه کنید به: التبیان فی ایمان القرآن ۶۲۶، والرد علی الشاذلی ۱۲۴، و مجموع الفتاوی ۳۰۳ / ۹، و مختصر الفتاوی المصرية ۱۰۰، و تفسیر الألوسی ۱ / ۱۳۷.

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

چنین دیدم که مطالب علمی را در قالب ده قاعده تنظیم کنم - تا به خاطر سپردنشان آسان باشد - و در پی آن شرح و تفصیلی کوتاه بیاید. در مقام استدلال کوشیده‌ام تنها احادیثی را بیاورم که ثابت شده است.

بخش عمده‌ای از آنچه در اینجا آمده، برگرفته از سخنان این امامان است: ابن تیمیه و ابن قیم، و سپس ابن رجب؛ چه عین عبارتشان باشد و چه مضمون سخنشان.

تنها از الله متعال خواستارم که این نوشته‌ها را پربرکت، سودمند و مورد پذیرش خود قرار دهد، و پاداش آن را برای گردآورنده و خواننده‌اش، برای روز دیدار با او ذخیره کند، و آن را حجتی به سود آن دو قرار دهد، نه برزیانشان. ستایش، مخصوص پروردگار جهانیان است.

منظور از «قلب» در این بحث، همین معناست؛ بلکه در قرآن و سنت و مباحث علما نیز، هرگاه سخن از ستایش یا نکوهش آن باشد، یا سخن از زنده بودن و بیماری، و درستی و تباهی‌اش و مانند این‌ها به میان آید، همین معنا اراده شده است.

قاعدهٔ اول: زکات دل، همچون رشد بدن است^۱

«زکات» در لغت: به معنای رشد و فزونی در نیکی و اصلاح است. گفته می‌شود: «زکا الشيء» (آن چیز زکات یافت) هنگامی که در مسیرِ صلاح رشد کند. بنابراین، قلب نیازمند تربیت است تا رشد کند، فزونی یابد و به کمال و صلاح و رستگاری برسد؛ همان‌گونه که بدن نیاز دارد با غذاهای سودمند پرورش یابد.

بسیاری از مردم شب و روز می‌کوشند تا به بدن‌های خود رسیدگی کنند، آن را اصلاح نمایند، تغذیه کنند و آفات و بیماری‌ها را از آن دور سازند. چه بسا آنان برای این کار، بیابان‌ها را در می‌نوردند و اموال هنگفتی هزینه می‌کنند - که البته این کار از نظر شرعی ایرادی هم ندارد - اما مایهٔ تأسف است که اندکی از این تلاش را صرفِ رسیدگی به دل‌هایشان، تغذیه و اصلاحِ آن، و کوشش برای درمانِ بیماری‌هایش نمی‌کنند.

^۱ نگاه کنید به: مجموع الفتاوی ۱۰/ ۹۶، اغاثة اللفهان ۱/ ۴۶-۴۹.

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

حال آنکه شأن و جایگاه دل بسیار والاتر است؛ چرا که نظرگاه پروردگار است و محور خوشبختی یا بدبختی انسان بر آن استوار است. خداوند متعال فرموده است: **﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾** [شمس: ۹-۱۰] (که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً زیانمند شد).

و پیامبر ﷺ فرمودند: «همانا الله به بدن‌ها و چهره‌های شما نمی‌نگرد، بلکه به دل‌های شما می‌نگرد -و با انگشتانش به سینه خود اشاره کرد-»^۱.

حقیقت این است که بودن یا نبودن خوشبختی، به پاکسازی و تزکیه دل گره خورده است. هیچ چیز مانند نافرمانی الله، جان‌ها را کوچک و خوار و هلاک نمی‌کند، و هیچ چیز مانند طاعت الله، آن‌ها را بزرگ، شریف و خوشبخت نمی‌سازد. خداوند متعال فرموده است:

^۱ به روایت مسلم (۲۵۶۴). شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «معلوم است که این سخن، دیدن ادراکی را نفی نمی‌کند، بلکه منظور، نگاه از روی محبت است.» الاستقامة ۱/ ۴۲۵، و شبیه آن در الفوائد ابن قیم ۱۸۵.

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

{وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ} [اعراف:

۱۵۶] (و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است؛ پس به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند... مقرر می دارم).

منظور از «زکات» در اینجا - چنان که از ابن عباس و حسن رضی الله عنهما روایت شده - عملی است که نفس را پاکیزه و طاهر می کند، و آن همان اطاعت از الله و پیامبرش ﷺ است.

مردم در روز قیامت دو گروهند: مجرم یا پاک گشته (تزکیه شده). خداوند

متعال می فرماید: **{إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ}**

*** وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ * جَنَّاتُ عَدْنٍ**

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّىٰ} [طه: ۷۴-۷۶]

(بی گمان هر که مجرم به پیشگاه پروردگارش بیاید، جهنم برای اوست؛ در آن

نه می میرد و نه زنده می شود * و هر که مؤمن به پیشگاه او بیاید در حالی که

^۱ ببینید: تفسیر طبری ۱۰/ ۴۸۷ و زاد المسیر ۲/ ۱۶۰.

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

کارهای شایسته انجام داده باشد، آنان درجات عالی دارند * بهشت‌های جاودانی که از زیر [درختان] آن‌ها جوی‌ها روان است؛ در آنجا جاودانه‌اند و این پاداش کسی است که پاکی جسته است).

با دانستن این نکته: اهمیت این موضوع و شدت نیاز به توجه به آن روشن می‌شود؛ زیرا قلب نیازمند است که از ایمان و قرآن بهره‌ای گیرد که آن را پاکیزه کند، نیرو بخشد و استوار سازد؛ همان‌گونه که بدن با آنچه رشدش می‌دهد و تقویتش می‌کند تغذیه می‌شود، وگرنه نابودی در انتظارش خواهد بود!

در کنار این، ناچار باید جلوی آنچه به قلب آسیب می‌رساند را نیز گرفت؛ زیرا «تزکیه» هرچند در اصل به معنای رشد، برکت و افزونی خیر است، اما تنها با زدودن شر حاصل می‌شود؛ پس تزکیه، جمع میان دو چیز است: افزودن خیر و زدودن شر.

گناهان به منزلهٔ اخلاط فاسد در بدن و علف‌های هرز در کشتزارند؛ پس همان‌گونه که بدن هرگاه از اخلاط فاسد رهایی یابد، رشد می‌کند و سالم

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

می‌شود، دل نیز چنین است؛ هرگاه از گناهان دوری گزیند یا از آن‌ها توبه کند، این کار به منزله تخلیه مواد فاسد از آن است؛ در نتیجه نیرو و اراده قلب برای نیکی خالص می‌شود.

بنابراین، هیچ راهی برای رشد و پاکی قلب وجود ندارد مگر پس از پاک شدن آن [از آلودگی‌ها]! در این باره در سخن خداوند متعال تأمل کن: **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ** **يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ** [نور: ۳۰] (به مردان باایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند. این برای آنان پاکیزه‌تر است).

می‌بینی که خداوند، رشد و پاکی (زکات) را پس از فرو بستن چشم و حفظ پاکدامنی قرار داده است.

یکی از علما می‌گوید: «ذکر برای دل، به منزله غذا برای بدن است؛ همان‌گونه که بدن با وجود بیماری، لذت غذا را نمی‌چشد، دل نیز با وجود محبت دنیا، شیرینی ذکر را نمی‌یابد».

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

بنده باید بداند که هرچقدر هم تلاش کند، رشد و پاکی دل و جاننش جز با فضل آن پروردگار کریم میسر نمی‌شود؛ چرا که اوست که می‌فرماید: **{وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ}** [نور: ۲۱] (و اگر فضل الله و رحمت او بر شما نبود، هرگز هیچ‌یک از شما پاک نمی‌شد، ولی الله است که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند).

پس رستگاری نیست جز برای کسی که پروردگارش او را پاک گرداند. خداست که پاک‌کننده است و هر که را او پاک کند، پاکیزه و متزکی می‌شود؛ پس بنده باید به او پناه برد و در درخواست خود صادق باشد و به فضل او امید بندد که به زودی دری از رحمتش را به روی او خواهد گشود.

از دعاهای پیامبر ﷺ این بود که می‌فرمود: «اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَزَكَّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا» یعنی: «بار الها! پرهیزگاریِ نفسم را به آن

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

عطا کن و آن را پاکیزه گردان که تو بهترین پاک‌کننده‌ای؛ تو سرپرست و مولای آن هستی»^۱!

و نیز باید دانست که بزرگترین چیزی که قلب با آن تغذیه می‌شود و نیرو می‌گیرد، «توحید» و «نماز» است.

اما توحید: محکم‌ترین ریسمان و بزرگترین سبب برای پاکی و رشد دل‌هاست. خداوند متعال فرموده است: **{قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى}** [اعلی: ۱۴] (حقاً رستگار شد آن‌که پاکی جست). یعنی: کسی که از شرک پاک شد و گفت: معبودی [به حق] نیست جز الله، و ایمان آورد و خدا را به یگانگی شناخت.^۲

و خداوند متعال آنگاه که پیامبرش موسی علیه‌السلام را فرمان داد تا فرعون را به توحید فرا خواند، فرمود: **{فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَهٌ إِلَّا أَنْ تَزَكَّى * وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ}**

^۱ به روایت مسلم (۲۷۲۲).

^۲ و این نظر گروهی از سلف درباره این آیه است؛ مانند ابن عباس، عکرمه، عطاء و دیگران. نگاه کنید به: تفسیر طبری ۳۱۹/۲۴، تفسیر سمعانی ۲۱۰/۶، تفسیر بغوی ۴۰۲/۸، و زاد المسیر ۴۳۲/۴.

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

فَتَحْشَى؛ [نازعات: ۱۸-۱۹] (پس بگو: آیا سر آن داری که به پاکیزگی گرایم؟ * و تو را به سوی پروردگارت راه نمایم تا پروا بداری؟).

پس هیچ پاکی و طهارتی جز با توحید ممکن نیست، و حکمِ ضد آن نیز برعکس است (یعنی شرک مایه ناپاکی است)؛ خداوند متعال فرموده است:

{إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ} [توبه: ۲۸] (بی‌گمان مشرکان نجس‌اند).

و فرموده است: **{قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاستَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ}** [فصلت: ۶-۷] (بگو: من بشری چون شمایم [که] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس مستقیماً به سوی او بشتابید و از او آمرزش بخواهید. و وای بر مشرکان * همان کسانی که زکات نمی‌دهند و آنانند که به آخرت کافرند).

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

بیشتر مفسران گفته‌اند: منظور از «زکات» در این آیه، توحید است.^۱ ابن عباس رضی الله عنهما در این باره می‌گوید: «آنان کسانی‌اند که گواهی نمی‌دهند که معبودی [به حق] جز الله نیست».^۲

زیرا توحید شامل نفی الوهیت غیر حق تعالی از دل، و اثبات الوهیت اوست؛ و طهارت قلب همین است، و این اصل و ریشه هرگونه پاکی و رشد است. بی‌گمان جان آدمی را هیچ راه نجات، خوشبختی و کمالی نیست، مگر آنکه خداوند یگانه، محبوب و معبودش باشد؛ [به‌گونه‌ای که] هیچ‌کس نزدش محبوب‌تر از او نباشد، و هیچ‌چیز را بر خشنودی او و نزدیکی جستن به او برنگزیند.

و اما نماز: پس از توحید، بزرگترین سبب پاکی و رشد و زکاتِ دل است؛ چرا که نماز خوراک دل‌ها، و مایه اصلاح و کمالِ آن‌هاست؛ البته این در صورتی است

^۱ نگاه کنید به: اغاثة اللفهان ۱/ ۴۹. و نیز نگاه کنید به: مجموع فتاوی ابن تیمیه ۷/ ۲۹۹.

^۲ تفسیر طبری ۲۲/ ۳۷۹.

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

که نمازی همراه با خشوع باشد و آن گونه که مورد رضایت خداست، به جای آورده شود.

و اگر بدن با خوردنِ غذایی بسیار اندک تغذیه نمی‌شود، دل نیز با نمازی که همچون نوک زدنِ کلاغ [شتاب زده] باشد، بهره‌مند نمی‌شود! بلکه به نمازی کامل نیاز است که دل‌ها را تغذیه کند، و چه اندک‌اند کسانی که به این نکته توجه دارند!

نمازی که به راستی دل را تغذیه می‌کند، نمازِ کسی است که دلی حاضر دارد؛ کسی که در نمازش به پروردگار رو کرده، عظمت آن کس را که در برابرش ایستاده به دل احساس می‌کند، پس [وجودش] سرشار از هیبتِ او شده و در برابرش کرنش کرده، و شرم دارد از اینکه به سوی غیر او رو کند یا از او روی برگرداند.

این همان نمازی است که نمازگزار تمام تلاشش را کرده تا خشوع، شروط، ارکان، واجبات و تا حد امکان مستحباتش را کامل به جای آورد.

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

این همان نمازی است که نور چشم، نعمت روح، بهشت دل و استراحتگاه او در دنیا گشته است؛ چنان که وقتی در نماز نیست گویی در زندان و تنگی است تا زمانی که [دوباره] وارد نماز شود تا در آن بیاساید، نه اینکه [با تمام شدن نماز] از دست آن راحت شود.

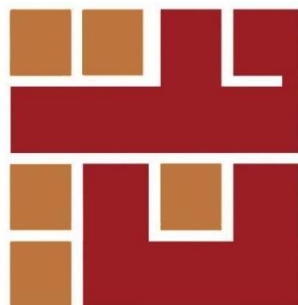
چکیده این قاعده: هرگاه دانسته شد که قلب به پرورش با غذای روحانی و ایمانی نیاز دارد - همان گونه که بدن به پرورش با غذای حسی و مادی نیازمند است - و اینکه نیاز به پاکی و رشد قلب، بزرگتر از نیاز به رشد بدن است: پس بر هر کس که خواهان نجات و خوشبختی خویش است، لازم است که تزکیه دل را پیش روی خود قرار دهد؛ همان طور که آدمی هرگز خوردن وعده های غذایی اش را - که قوت روزانه بدن اوست - فراموش نمی کند؛ بر اوست که از آنچه مایه تعذیه و پاکی هر روزه دلش می شود نیز غافل نماند؛ یعنی با کسب نیکی، زدودن بدی و توبه از گناه.

و باید همواره به یاد داشت: که خوشبختی در تزکیه است و بدبختی در آلودگی؛ **{قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا}** [شمس: ۹-۱۰] (که هر

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |

کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد * و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً
زیانمند شد).

قواعدی در فقه قلوب | زکات دل، همچون رشد بدن است |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies